

درآمد

کتاب حاضر جلد نخست از مجموعه چند جلد کتاب در تاریخ ایران عصر قاجار است که برای دانشجویان و علاقه‌مندان تاریخ ایران تا نهضت مشروطه نوشته شده است. کتاب‌هایی که درباره این برهه از تاریخ ایران نوشته شده‌اند، بسیار اندک و غالب آن‌ها از نسخه‌های خطی که شمار چاپ نشده آن‌ها بیش از نوشته‌های چاپ شده است کمتر بهره گرفته‌اند. همچنین غالب آن آثار از اسناد داخلی به خصوص مدارک بایگانی‌های خارجی بهره‌ای نگرفته‌اند و یا اگر هم استفاده برده باشند، بیشتر از بایگانی‌های بریتانیا بوده است و از اسناد روسیه، خاصه از گزارش‌های وزرای مختار روسیه درباره هجوم قوای روسیه به قفقاز و نامه‌های برخی از رهبران مذهبی ارمنی به دربار روسیه و درخواست از ایشان برای هجوم به داغستان، گرجستان و ارمنستان به خصوص ایروان و قراباغ؛ همچنین مکاتبات تعدادی از خوانین مسلمان قفقاز و درخواست حمایت از آنان در برابر حکومت مرکزی، به دلیل مسدود بودن بایگانی روسیه تا زمان فروپاشی نظام سوسیالیستی در آن کشور به روی پژوهشگران نتوانسته‌اند، سود جویند. افزون بر آن، شمار زیادی خاطرات در سال‌های اخیر ارائه شده‌اند که در دهه‌های پیشین عرضه نشده بودند.

در کتاب نخست که به تأسیس فرمانروایی قاجاریه به دست آقامحمدخان اختصاص دارد کوشش شده است تا به شخصیت آقامحمدخان قاجار نگاهی بی‌طرفانه داشته باشیم و او را آن‌گونه که بوده است معرفی کنیم، زیرا شماری از تاریخ‌نویسان عصر پهلوی از کسی که تجدید وحدت و یکپارچگی ایران امروز مدیون تلاش اوست، چهره‌ای بسیار خشن و بی‌رحم ساخته‌اند و همین چهره، اکنون نزد بسیاری از مردم رواج دارد.

شالوده این پژوهش این است که انگیزه تلاش‌های آقامحمدخان غارت بود یا حصول به وحدت ارضی دیرینه؟ فرض ما بر این است که دغدغه اصلی خان قاجار فرمانروایی یکپارچه در ایران و تجدید وحدت ارضی کشور بود.

برای واری فرضیه‌ها، امروزه معمول است که ابتدا چهارچوبی نظری و نظریه طرح و در پرتو آن مسئله و فرضیه اصلی واری شود. بگذریم از شماری از بررسی‌ها که فقط در ابتدای نوشته، چهارچوب و نظریه‌ای را مطرح، ولی سپس آن را رها می‌کنند.

انتخاب چهارچوب نظری و نظریه در پژوهش‌های مسئله‌محور ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، اما مقید شدن در قالب نظریه واحد و تحمیل آن به تحقیق نه روشمند است، نه پژوهش را به سامان می‌رساند. بنابراین بدون محدود کردن اندیشه خود در قالب نظریه‌ای واحد، روایت‌های تاریخی و رخدادها را به گونه‌ای پیوسته براساس منابع دست اول ارائه می‌کنیم تا خواننده ابتدا بتواند صورتی از واقعه تاریخی را در ذهن خود ترسیم کند و در کنار آن پیوند و ارتباط ارگانیک را ادراک کند و سپس پیوستگی علت و معلولی آن‌ها را چنان که خود در پرتو تعقل تاریخی می‌یابیم، تصور کند و در صورت صحت و تطبیق با خرد خود آن را بپذیرد.

به این ترتیب، چنان که در متن کتاب ملاحظه خواهد شد، نگرش ما به تاریخ قاجاریه، نگاهی است بر اساس منابع دست اول و رهیافت عقلی به روایت‌ها و به کار گرفتن هر نظریه‌ای که بتواند روشنی بر موضوع افکند نه آنکه ما را در پی خود بکشد و خود بلا و آفت نگرش بی‌طرفانه شود و پژوهش را به وادی مصادره به مطلوب سوق دهد. به بیان دیگر گرچه در تاریخ‌پژوهی اصالت را به گزارش‌ها می‌دهیم، اما روایت‌ها را با معیار عقل و خرد هم می‌سنجیم و اصالت را به روایت‌ها نمی‌دهیم و همراه با آن درایت را به کار می‌گیریم.

سخن آخر اینکه کشته شدن آقامحمدخان به او فرصت نداد تا آمال خود را برای بازگرداندن ایران به مرزهای دیرین به خصوص در ماوراءالنهر، قفقاز و خلیج فارس عملی سازد. جانشینان وی غیر از عباس‌میرزا، هم به دلیل افتادن در کام خوش‌گذرانی و جهل و هم گرفتار شدن در شورش‌های خوانین سراسر کشور و رقابت‌های استعماری نتوانستند راه و رسم پایه‌گذار فرمانروایی قاجار را ادامه دهند. تحولات و مسائل ایران در دوره حکومت پادشاهان قاجاری پس از آقامحمدخان را با همان روش اتکا به منابع دست اول و رهیافت عقلی، در جلد‌های بعد بررسی خواهیم کرد.